آشنایی با یک گروه موفق در فرهنگ‌سازی حجاب و عفاف

از اولین قرار تا ایستگاه‌های عاشقی

کبری فرشچی
خبرنگار چاردیواری

مسأله حجاب و عفاف، موضوعی فرهنگی است و تعمیق باورهای جامعه به این واجب دینی مانند هر موضوع فرهنگی دیگری کار فرهنگی می‌خواهد. واقعیت اما این است که برای مسأله‌ای با اهمیت حجاب و عفاف، کمتر کار فرهنگی انجام شده و ما نتوانسته‌ایم در این زمینه ابتکار عمل را به دست بگیریم. با وجود این خیلی هم دستمان خالی نیست. گاهی وقت‌ها نمونه‌های جذابی از کار فرهنگی در حوزه حجاب و عفاف در گوشه و کنار کشورمان انجام می‌شود که قابلیت رسانه‌ای شدن و معرفی به عنوان الگو را دارد. نمونه‌اش کار فرهنگی بر و بچه‌های گروه دانشجویی مثل هانیه که کلیپ‌های کوتاه ایستگاه‌های عاشقی‌شان در مترو دست به دست چرخید و به خوبی دیده شد. دختران جوان و محجبه‌ای که بدون برچسب‌گذاری یا نگاه منفی به زنان و دختران کم حجاب در ایستگاه‌های عاشقی از آنان دعوت می‌کردند لحظاتی مهمان‌شان باشند و با نمایش جلوه‌های زیبای حجاب و بازگشت به فطرت، زنان و دختران کم حجابی که مهمان‌شان می‌شدند، با حجابی مناسب از ایستگاه‌های عاشقی خداحافظی می‌کردند. کسی چه می‌داند شاید این تغییر رفتار لحظه‌ای با یک بستن متفاوت روسری با هدیه دادن یک گیره روسری و دعوت به بازگشت به فطرت که خیلی وقت‌ها با اشک چشم و غلیان احساسات همین زنان و دختران کم حجاب همراه بود، موجب شده باشد سبک زندگی و رویه این بانوان به‌طور کلی تغییر کرده باشد. این ماجرا اما انگار بر و بچه‌های گروه دانشجویی مثل هانیه را به ادامه کارشان دلگرم کرد و موجب شد در نمایشگاه کتاب تهران هم سراغ آنها بیایند و از آنها بخواهند نمونه‌ای دیگر از کار فرهنگی در حوزه عفاف و حجاب را در نمایشگاه کتاب تهران تکرار کنند و غرفه‌های ریحانه را راه بیندازند. کاری که دوباره گرفت و موفق بود و کلیپ‌های آن هم در فضای مجازی دیده شد. زهرا توکلی، مسئول گروه دانشجویی مثل هانیه است. سراغ او رفته‌ایم تا درباره این گروه دانشجویی و کارهای موفقی که در حوزه حجاب و عفاف داشته‌اند، بیشتر صحبت کنیم.

خانم توکلی درباره گروه «مثل هانیه» بیشتر برای‌مان بگویید. چطور شد این گروه شکل گرفت؟

گروه دانشجویی و مردمی مثل هانیه از حدود دو سال پیش توسط تعدادی از دانشجویان انقلابی و دغدغه‌مند کشورمان از دانشگاه‌های مختلف تشکیل شد. بر و بچه‌های این گروه از همه دانشگاه‌ها در کنار هم قرار گرفته‌اند از علامه تا آزاد و پیام نور و رشته‌های متفاوتی مثل میکروبیولوژی، گرافیک، مهندسی صنایع، مترجمی زبان، طراحی دوخت، علوم اجتماعی در مقاطع کاردانی، کارشناسی، ارشد و دکترا. حلقه وصل این دوستان یک هدف بود و آن قدم برداشتن در جهت ایجاد جامعه مهدوی از طریق عمل به فرموده رهبر معظم انقلاب یعنی شناساندن ارزش‌های اسلام و انقلاب به جوان‌ها از طریق شیوه‌های نوین.

آیا شما برای انتخاب طرح‌های‌تان اتاق فکری دارید؟ این اتاق فکر مشتمل بر چه افرادی است؟

بله، ما برای ارائه طرح‌هایی که به مناسبت‌های مختلف از جمله هفته عفاف و حجاب رونمایی می‌کنیم، دور هم جمع می‌شویم و همفکری‌هایی داریم. نقطه عطف این طرح‌ها همان هفته عفاف و حجاب است اما برای همه طرح‌های سالانه، ما یک حلقه اصلی تشکیل‌دهنده گروه را داریم که اینها همان بچه‌های دانشجویی هستند که کار را شروع کرده‌اند. البته به اضافه بچه‌هایی که در این مدت به ما اضافه شده‌اند.

این افراد هم دانشجو هستند؟

نه، از اقشار مختلف مردم افراد دغدغه‌مند در این حوزه هستند. خانم‌هایی که خانه‌دار، فرهنگی یا در مشاغل مختلف هستند و در کنار ما حضور پیدا می‌کنند.

تمام بچه‌هایی که طرح‌های گروه را ارائه می‌کنند، بچه‌های دانشجو و بچه‌های خوشفکر و دغدغه‌مندی را در برمی‌گیرد که در دانشگاه‌های مختلف مشغول فعالیت هستند. وجه اشتراک این بچه‌ها دغدغه‌مندی در حوزه ارزش‌های انقلاب اسلامی است که دور همدیگر جمع می‌شوند و همفکری اتفاق می‌افتد. بچه‌ها دور هم جمع شوند، آن بارش فکری اتفاق می‌افتد و طرح‌های جدید را ارائه می‌دهند و در عمل هیأت اندیشه‌ورزی که حضرت آقا خواستند در تشکیلات مختلف وجود داشته‌باشد، تشکیل می‌شود. بعد از این‌که به نتیجه و جمع‌بندی رسیدیم این را خدمت بزرگان ارائه می‌کنیم و از مشورت آنها بهره می‌بریم اما در عین حال جمع‌بندی نهایی با خود این هسته اصلی است که از بچه‌های خودمان هستند. در واقع حلقه اصلی و اتاق فکر ما یک سری از دختران دانشجو که در کف جامعه حضور دارند و با مردم در ارتباطند این حلقه اصلی را تشکیل می‌دهند.

در اتاق فکر شما چند نفر هستند؟

ما حدود ۱۲ نفر هستیم.

آیا اعضای اتاق فکر شما از دانشگاه‌های مختلف هستند؟

بله، بچه‌ها از دانشگاه‌های مختلف هستند. دانشگاه آزاد، دانشگاه‌های سراسری و در رشته‌های مختلف و شهرهای مختلف.

آیا نخستین کار شما ایستگاه عاشقی بود یا این کار بیشتر دیده شد؟

ایستگاه‌های عاشقی اولین کار ما نبود؛ این کاری بود که بیشتر دیده شد. قبل از ایستگاه‌های عاشقی برنامه‌ای داشتیم به نام «اولین قرار» و سراغ گروه‌های مختلف رفتیم که سعی داشتند زمینه‌ای را برای جذب خانم‌هایی که به لحاظ فرهنگی با ما همخوانی ندارند، مهیا کند. درست است ما برنامه‌هایی داریم و تلاش می‌کنیم این خانم‌ها را تحت تاثیر قرار دهیم اما خیلی وقت‌ها این خانم‌ها در مکان‌هایی که ما برنامه اجرا می‌کنیم در دسترس نیستند. ما معمولا در میادین و هیئآت و اماکن این چنینی برنامه داریم. اما این مخاطبانی که می‌خواهیم به آنها محتوای فرهنگی را ارائه دهیم در دسترس ما نیستند. به همین دلیل هم ما برای اولین برنامه‌مان تحت عنوان «اولین قرار» سراغ یکی از کافه‌های تهران رفتیم. وقتی وارد این کافه می‌شوید محیط چندان مناسبی ندارد و محیطی است که خیلی از خط قرمزها و قوانین ما در آن نقض می‌شود. این کافه نزدیک دانشگاه تهران است و پاتوق دخترخانم‌ها و پسرهای دانشجوی دانشگاه تهران و دانشگاه‌های اطراف است. طی هماهنگی با مسئولان این کافه، بچه‌های ما فضای این کافه را که یک حیاط و حوضی و ظاهر زیبایی به لحاظ هنری داشت، کمی هنری‌تر و معنوی‌تر کردند. همچنین از قبل یک سری دعوت‌نامه تهیه کرده‌بودیم و آنها به عنوان اولین قرار به صورت رندم در اختیار دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه‌های اطراف و همچنین دانش‌آموزان مدارس در اطراف این کافه، قرار گرفت و آنها برای یک پذیرایی مختصر به این کافه دعوت شده‌بودند اما نمی‌دانستند قرار است در این کافه چه اتفاقی بیفتد. ما برای این عزیزان مراسمی برگزار کردیم و از یک سخنران و خانواده‌های شهدا از جمله خانواده دکتر شهید قربانخانی، شهید محمدحسین حدادیان و چند تن از شهدای تیپ فاطمیون در این جلسه حضور داشتند.

ما سه سئانس ۴۵ دقیقه‌ای داشتیم و در هر سئانس طبق هماهنگی‌هایی که انجام داده بودیم بچه‌های گروه مثل هانیه تیم اجرایی بودند و از مهمانان پذیرایی می‌کردند. در کنار پذیرایی هدایای فرهنگی هم در اختیار آنها قرار می‌گرفت. طبق برنامه بچه‌های ما در کنارشان می‌نشستند و حجاب‌شان کامل می‌شد و ارتباط خوبی بین بچه‌های ما و مهمانان‌مان برقرار می‌شد. برخی از این دخترخانم‌ها کنار میز خانواده شهدا می‌آمدند و با آنها هم‌کلام می‌شدند. پدر شهید قربانخانی از خاطرات‌شان برای بچه‌ها می‌گفتند و هدایایی از دست خانواده شهدا به آنها اهدا می‌شد. آن روز ما در خدمت ۵۰۰ نفر از این خانم‌ها بودیم و تلاش کردیم خاطره خوبی در آن روز رقم بخورد اما مثل ایستگاه‌های عاشقی فراگیر نشد و مجموعه ما با ایستگاه‌های عاشقی دیده شد.

زوم

در داخل غرفه‌های ورودی گردونه‌ای داشتیم که به تصویر شهدا مزین شده بود. از خانم‌هایی که به غرفه‌ها می‌آمدند، می‌خواستیم گردونه را بچرخانند. گردونه به اسم هر شهیدی که در می‌آمد، کارت پستال ویژه داشتیم که در آن جمله‌هایی از وصیت‌نامه شهید بود و این کارت پستال‌ها را به خانم‌ها هدیه می‌دادیم

توقفی در ایستگاه عاشقی «ریحانه»

برای دیدن فیلم اولین قرار کیوآرکد را اسکن کنید.